

«یادی از هنرمند نقش‌قالی و تذهیب»

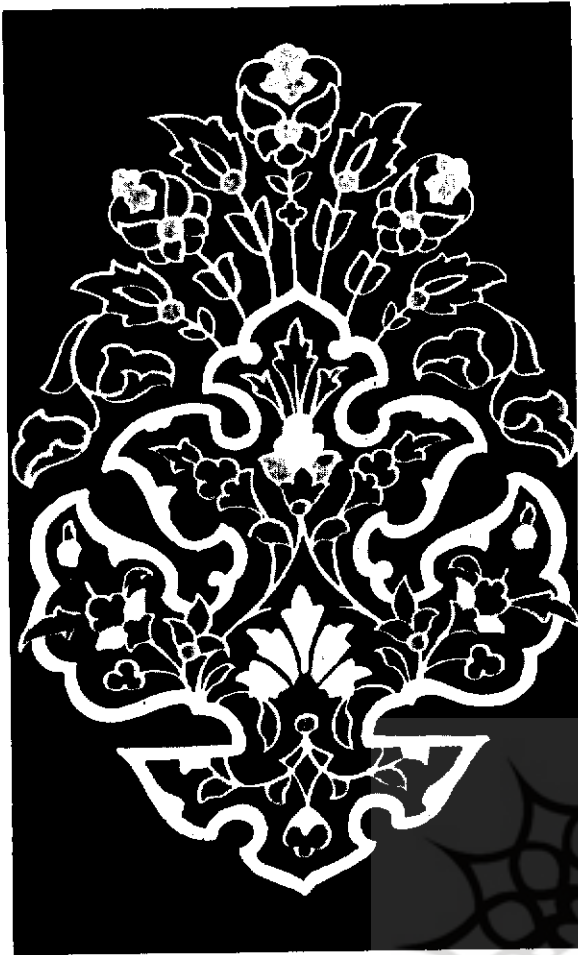
استاد محمد حسین نقشه‌چی

سید محمود افتخاری



ساسانی، فرش مشهور بهارستان را می‌بافند تا شهرت عالمگیر و افسانه‌ای آن اعتبار جاویدان هنر قالیبافی ما را در آن سالهای دور رقم زند. همان دستاویز هم‌آواز طراحان و بافندگان، در اعصار بعد چونان ارکستری بزرگ، نجوای سرود آرمانهای هنری - فرهنگی ملت‌های کهن و پایدار را در برابر دیده‌گان شگفت‌زده ملت‌های جهان به خروشی همیشه پرطنین مبدل ساختند. نمایش آن پرده‌های رنگین فرش، چشم‌انداز بدیع‌ترین نقش‌های گیاهی - جانوری - گل‌های شاه‌عباسی و ختایی - انواع نقوش اسلیمی - نقش مایه‌های انتزاعی و هندسی شد، و در دوران صفوی «دار» این بافته‌های خوش‌طرح و رنگ همراه با آرمانهای دور و دراز پدیدآوردگان، بر بلندای عظمت و شکوه هنر ایران‌زمین قرار گرفت. هر نقش نمادی شد از دل‌آگاهی، اشاره، ذوق، معنویت، مظلومیت و سرانجام گمنامی زنان و مردانی که صبورانه طرح آبرو و منزلت هنر دیارشان را بر تار و پود فرش، «گره عشق» زدند. و هر رنگ خون سرخ شرافتی در پایداری ارزشهای ناب و مطهر، جاری در شریانهای هنر ملی ما، نقش بافان، دارِ قالی را سجاده‌ای پنداشتند تا بر سر آن نسلی از پس نسل دیگر تا به امروز، جان و دل به

در سال ۱۳۲۶ شمسی - ۱۹۴۷ میلادی، با کشف فرش معروف «پازیریک»، در دهکده‌ای به همین اسم در جنوب سیبری، قدمت نخستین دستبافته‌های ایرانی، سابقه دوهزارساله را تثبیت و پشت سر گذاشت و به عصر هخامنشیان پیوند یافت. از سوی دیگر شیوه طراحی و نقش‌آفرینی و سنت‌های بافندگی این دستبافته ارزشمند، که به عنوان پوشش اسب از آن استفاده می‌شده است، این استنباط را ممکن ساخت تا بتوان در تفسیر و تعبیری مستند، نمایش قدرت و تسلط طراحان و بافندگان قالی را به زمانهایی دورتر از هخامنشی بازگرداند. زیرا بی‌تردید آن مردم هنرورِ خلاق و نقش‌بند که با وساطت سرانگشتان ساحر قالیبافی خوش‌ذوق آن‌همه نقش زیبا و رنگارنگ بر تار و پود تن‌پوش اسبی می‌نشاندند، دست و دل و توان آن را داشتند که پرده‌های خوش‌نقش و نگار و بیشمار باغهای پرگل و گیاه و پرنده را بر فرشهایی که کف‌پوش و زیست‌بخش کاخها و سرسراها و ایوانهای وسیع شاهان و امپراتوران می‌شد نقش اندازند. اگر نبود آن معرفت و پشتوانه خلاقیتها و هنرآفرینیها، پس چگونه است که مردمی نقاش و بافنده دل در گرو هنر نهاده، در دوره امپراتوری



بیعت مقدّس تعالی اندیشه و ذوق ایرانی سپارند. عجب آنکه در این بیش از دو هزار سال چله‌نشینی هنرمندان فرش، چه آنها که طرح را رقم می‌کردند و چه آنان که رنگ‌رزان پشم و کرک بودند و چه آن بافندگان چیره‌دست که دنیای پرطراوت و شاداب رنگ و نقش را به باغ بی‌خزان قالی و قالیچه‌ها پیشکش می‌کردند به لقمه‌نانی قناعت داشتند. آنها تسلیم ادای دینی بودند به اعتلا و ماندگاری هنرشان، که از نسل گذشته به یادگار گرفته بودند. به همین خاطر کمتر نامی از استادان چیره‌دست طراح و نقاش به روزگار ما در یادها و خاطره‌ها مانده است.

چنانکه انگشت‌شمار نام و یادی از بافنده‌ای عاشق باقی است. حکایت طرح و نقشه قالی ما امروز هم حدیث مکرّر هنر‌نمایها و گمنام‌ماندنیهای نقش‌آورانی شده است که هنوز در کشاکش روزگار بی‌رنگ شدن ارزشها و عناصر ارزشمند هنرهای ملی، دل‌سپرده بسندبند، نقشهای اسلیمی و ختائی و گل‌های انار یا شاه‌عباسی هستند، و دست در رکابِ توسنِ قلمِ نقشگر خود نهادند در آفرینش بیشمار طرح و نقشه قالی که می‌باید با سرانگشتان ظریف فرش‌باخان بر تن قالی متولّد شود. روزگار نه چندان دور در سالهای ۱۳۰۹ شمسی مؤسسه قالی و به دنبال آن «مدرسه صنایع قدیمه» به کوشش طاهرزاده بهزاد در محل جنوبی باغ نگارستان (همان مکان فعلی موزه هنرهای ملی و ضلع شرقی آن، که زمانی کارگاههای صنایع قدیمه و بعدها کارگاههای هنرهای سنتی نامیده شد) تأسیس گردید، تا هنرهای ملی و سنتی فراموش‌شده در گذر ایام، احیاء و بازسازی شوند. در زمینه هنر پرسابقه و کهن نقشه قالی، در این مدرسه هنرمندان کم‌نظیری درخشیدند و آثاری بسیار زیاده و ماندنی در عرصه طراحی فرش از خود به یادگار گذاشتند. نامهایی چون، مرحوم استاد رضا وفاکاشانی - استاد رفیعی - استاد رهبری - استاد هادی اقدسیه - استاد نقشه‌چی - استاد

اسکندانی - استاد دقیقی - استاد حسین جاسبی - استاد ماشاءالله بهره‌مند - استاد باقری - استاد شادمانی - استاد انجدانی - استاد درویش - استاد علی‌اشرف کاشانی از چهره‌های آشنایی هستند که کارگاه نقشه‌قالی را در صنایع قدیمه اعتبار بخشیدند. همانها که نامشان چون نام اسلافشان پای نقشه‌های ماندگارشان نشست، چندانکه نام بافندگان این طرحهای سراسر ظرافت و زیبایی نیز بر تار و پود فرشی رقم زده نشد. یاد و خاطره‌شان، به درازای تاریخ هنر قالی ایران زمین ماندگار باد.

استاد محمّد حسین نقشه‌چی

زنده‌یاد محمّد حسین نقشه‌چی، (تولّد ۱۲۸۲ شمسی، وفات ۱۳۶۷ شمسی)، در شمار محدود اساتید نقش قالی - نقش کاشی و تذهیب است که افزون بر

هفتاد سال از ایام زندگی را به پای کاغذهای خانه‌بندی‌شده نقشه‌قالی و بومهای مقوایی تذهیب و نقش کاشی گذراند. نه تنها روزهای جوانی، که در سالهای پیری و خستگی و ناتوانی هم، نور دیدگان را در پیچ و خم ترسیم نقشهای ظریف و پیچان و تودرتوی نقوش اسلیمی و گل‌های ختائی و شاه‌عباسی کم‌فروغ ساخت. اراک زادگاه او یکی از مراکز مهم قالببافی ایران ایستاده بر شانه‌های طراحان و قالببافان خستگی‌ناپذیر شهر و روستاهایش، مکتب نخستین درس حسین خردسال، در عشق به هنرهای اصیل ایرانی بود. پدرش حاج علی نقشه‌چی، طراح باسابقه نقشه‌قالی بود که عمری را در پای دار قالی و حجره‌ها و تیمچه‌های قدیمی بازار فروش‌فروشان سهری ساخته بود. پس حسین از همان کودکی هر آنچه در خانه، محله، کوی و بازار می‌دید همه نقش بود و نگاره‌های دلفریب، رنگ در رنگی‌قالی‌وقالپچه با نقشهای لچک‌ترنج، محرابی، شکارگاه، ماهی درهم (هراتی)، افشان و جوشقانی، که آرام‌آرام کودکی او را با خود به نوجوانی دیدار باغهای شاداب و رنگارنگ ذوق و احساس هنر می‌سپردند. باغهایی که همه در دشت لاک‌رنگ فروش می‌رویدند و اوج می‌گرفتند. هر صبح زود که نوجوان چشم به آفتاب عالمتاب می‌گشود پدر را می‌دید که در برابر محراب قالی زانو زده است و نقش قالی و دسته‌دسته گل‌های سرخ و زرد و آبی را با قلم‌مو بر بوم کاغذی می‌نشانند، و ذره ذره رنگ از پشم و کُرک که پای دار قالی نثار تار و پود فرشها می‌کند، در اراک آن روزگار نه چندان فراموش شده، نبود خانه‌ای، کاشانه‌ای، زیرزمینی، که از آن صدای شان‌زدن بافنده‌ای بر گیسوان طلایی و سبز و عنابی فرش به گوش نرسد. دخترکان نشسته بر سجاده رنگین دار قالی، به فرمان استادکار بافنده و نقشه‌خوان عطر مهربانی و شور احساس از سرانگشتان لاغر و نحیف بر صورت گل‌های قالی می‌ریختند.

دنیای کودکی و نوجوانی حسین در چنین حال و

هوایی شکل می‌گرفت. نقشه‌چی طی گذراندن دوران مدرسه به تدریج در کنار پدر هنرمند با رموزکار نقشه‌قالی آشنا شد و اصول طراحی و رنگ‌آمیزی را فراگرفت. ذوق آزمایی و پشتکار او در کار نقاشی بدان پایه رسید که پدر، سفارش بسیاری از نقشه‌ها را به دستان پرتوان پسر می‌سپارد و فرزند نوجوان به‌خوبی از عهده کار برمی‌آید. نقشه‌چی جوان در کار آموختن علم و دانش نیز تلاش می‌کرد. همان سالها در اراک مدتی نیز زبان فرانسه آموخت. علاقه زیادی به ریاضیات داشت. هفده سالگی زمان مهاجرت او به قم بود. چند صباحی در آن شهر به طراحی نقش قالی پرداخت و به زودی آوازه هنرش زبانزد مردم آن دیار شد. و از او به عنوان هنرمندی خلاق و مبتکر در ترسیم نقشه‌قالی یاد کردند. سپس رهسپار تهران گردید و به تنها مرکز هنر آن زمان (مدرسه صنایع قدیمه) راه یافت. همان مدرسه‌ای که طاهرزاده بهزاد راه انداخته بود و قبل از آن به نام «مؤسسه قالی» زیر نظر وزارت صناعت اداره می‌شد. مدرسه صنایع قدیمه در سال ۱۳۱۵ شمسی به نام «هنرستان عالی هنرهای ایرانی» ادامه فعالیت داد و تحت مدیریت «اداره هنرهای ملی» که ریاست آن را استاد علی کریمی هنرمند مینیاتوربست عهده‌دار بود به تربیت و پرورش عاشقان هنر مشغول بود. اداره هنرهای ملی از ادارات وزارت بازرگانی و پیشه و هنر بود. محمد حسین نقشه‌چی در مدرسه صنایع قدیمه با دیگر یاران در رشته نقشه‌قالی - تذهیب - نقشه کاشی، نقش گره، میدان کار و کوشش یافت و به استادی کامل عیار در طراحی، ساخت و ساز رنگ، تبدیل گردید. یکی از ویژگیهای استاد نقشه‌چی چیره‌دستی و مهارت فوق‌العاده او در تنوع طرح و نقش، به‌خصوص نوآوریهای بسیار چشمگیر و قابل توجه‌اش در طرحهای تذهیب است. نقشه‌چی در خوشنویسی هم ذوق خوبی داشت. گاه بر پشت یک شیشه با خطی خوش کلامی از خدا و بزرگان دین می‌نوشت. هنرمندی مؤمن و معتقد به مبانی و ارزشهای اسلامی، که عواطف

انسانی و عزت نفس و بسویژه وارستگی او از قید و بندهای مادی، ابعادی عرفانی به زندگی سراسر کار و تلاش استاد می‌داد. وقتی در سال ۱۳۴۱ پس از ۲۸ سال هنرنمایی در عرصه هنرهای راستین و اصیل ایرانی - اسلامی از خدمت بازنشسته شد، با مناعت طبع برای جبران حقوق ناچیز دولتی، به کار نوشتن تابلوهای تبلیغاتی، (خوشنویسی) مشغول گردید. زمانی هم در ایام پیری با تاکسی کار می‌کرد. همان استادی که در سال ۱۳۲۶ در اوج توانمندی هنری آثارش در نمایشگاه (هنرهای زیبای معاصر شرقی)، در دهلی، توجه و تشویق ناظران را به دنبال داشت، و در کنار سایر کشورهای شرکت‌کننده، چهره برتر هنری شده بود. تقدیرنامه استاد که از سوی وزیر اقتصاد ملی به تاریخ ۱۳۲۶/۴/۴، امضاء شده گواه موفقیت این هنرمند در عرصه جهانی است. نگارنده سال ۱۳۶۶ روزی استاد پیر را دیدم که انگار برای وداع با میدان عاشقی هنر، به محوطه کارگاههای کنار موزه آمده بود. همان مدرسه‌ای که سالها زیر سقف بلند اتاقهای آن، در کنار یاران دیگر، نقش آفریده بود و رنگ گذاشته بود. استاد را در آن سال آخر عمر مانند ساقه نیلوفری یافتم که گذر سخت ایام و قدرناشناسی روزگار او را بر عصای پیری و ناتوانی خمانده بود. محمد حسین نقشه‌چی، استاد صاحب سبک و نوآور نقشه‌قالی و تذهیب و طراح نقشه‌کاشی، در سال ۱۳۶۷ دیده از دنیای فانی برداشت. استاد در عرصه هنر و میدان زندگی بر این باور زیست که: خاک شو، تا گل برویی، رنگ، رنگ. یاد و نامش گرمی و باورش بارور باد.

کارنامه هنری استاد محمد حسین نقشه‌چی به قرار سالشمار زندگی او.

۱ - ورود به مؤسسه نقشه‌قالی و مدرسه صنایع قدیمه سال ۱۳۰۹ و تکمیل فنون نقش و نگار تذهیب در محضر میرزا علی درودی استاد و معلم تذهیب مدرسه، تا سال ۱۳۱۳.

۲ - استخدام قراردادی در وزارت پیشه و هنر - اداره هنرهای ملی، به عنوان طراح و نقشه‌کش. ادامه فعالیت در آن اداره تا سال ۱۳۲۶ که استاد به استخدام رسمی هنرهای زیبای کشور درآمد.

۳ - فعالیت در طراحی نقوش دیوار و سقف گنبدی شکل کاخ مرمر با همکاری اساتیدی چون عبدالله باقری، حسین جاسبی و...

۴ - اعزام استاد برای مدت شش ماه به افغانستان برای طراحی و تعمیر کاشیهای سقف مسجد جامع کابل، سال ۱۳۳۲.

۵ - طراحی نقش کاشیهای کاخ گلستان سابق؛ و اعزام او به اصفهان برای طراحی نقش کاشیها، سال ۱۳۳۸.

۶ - بازنشستگی از خدمات دولتی سال ۱۳۴۱.

۷ - استاد نقشه‌چی تا سال وفات، مدت ۲۶ سال، بسیار نقشها و طرحهای مدادی و رنگی قالی و نقاشی خط ساخته و پرداخته است که اغلب این آثار نزد خانواده نگهداری می‌شوند.

۸ - دفتر یادبودی که متجاوز از ۳۰ طرح تذهیب رنگ شده استاد برای امضاء شخصیتهای جهانی که از موزه هنرهای ملی بازدید داشته‌اند، ساخته شده و هم‌اکنون به عنوان اثری ارزنده در موزه فوق‌الذکر محفوظ است.

۹ - نقشه‌قالیهای تمام‌رنگ استاد نیز هم‌اکنون در ردیف برترین آثار نقش قالی معاصر، در موزه فرش ایران به نمایش درآمده است و در همان‌جا نیز نگهداری می‌شود.